مجله کانون وکلای دادگستری استان آذربایجان شرقی
کانون وکلای دادگستری استان آذربایجان شرقی
شماره ۵۳ و۵۴ بهار و تابستان ۱۴۰۴

نظم عمومی و حقوق محیط زیست

دکتر علیرضا عنابی[۱]

چکیده

نظم عمومی‌از مهمترین نهادهای حقوقی است که در نظام حقوقی تمام کشورها جایگاه ویژه‌ای دارد. نظم عمومی‌در زمره مفاهیم بنیادین، معمول و در عین حال پرچالش در قلمرو حقوق داخلی و بین‌المللی است. این مفهوم، علاوه بر نقش محدود کننده در قلمرو داخلی، در قلمرو بین‌المللی نیز اعمال قوانین و قواعد مخالف نظم عمومی، کشور میزبان را با مانع روبرو می‌سازد. به نظر می‌رسد که الزامات و ضرورت‌های نظم عمومی‌از بنیانها و راهنماهای تدوین قوانین در حوزه حقوق داخلی و بین‌المللی می‌باشد. این قاعده در خصوص حقوق محیط زیست نیز صدق می‌کند. پیدایش و توسعه حق برمحیط زیست سالم، به عنوان حق نسل سوم حقوق بشر با افزایش هرچه بیشتر مسائل و مشکلات زیست محیطی همراه می‌باشد، از جمله چالش‌های حاضر، تخریب لایه ازن، پدیده " ال‌نینو" تغییرات آب و هوایی، باران‌های اسیدی، انفجار جمعیت، نابودی روزافزون جنگل‌ها و دگونه‌های نادر گیاهی و حیوانی همگی جهان حاضر را به سوی یک فاجعه زیست محیطی پیش می‌برد که آینده کره زمین را با ابهام مواجه ساخته است. نسل سوم ارتباط بشر با محیط زیست رابه نوعی تبیین نموده است. عصرحاضر، عصرآگاهی، تعامل و همزیستی با طبیعت ومحیط زیست است درنظام اداری جمهوری اسلامی‌ایران سازمانی که وظیفه محافظت از محیط زیست را بصورت مستقیم برعهده دارد سازمان حفاظت از محیط زیست می‌باشد که زیر نظر نهاد ریاست جمهوری اداره می‌گردد . تمام این حوادث و بحرانها، نظم جهانی را به چالش کشیده است. بنابراین یکی از اهداف مهم قوانین مرتبط با حقوق محیط زیست اعم از داخلی یا بین المللی در راستای ساماندهی نظم عمومی‌در گستره جهانی می‌باشد.

کلید واژه : نظم عمومی، حقوق محیط زیست، توسعه پایدار، مسئولیت، حقوق عامه

---

۱. وکیل پایه یک دادگستری ، استادیار گروه حقوق، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران .
a.anabi@iau_maragheh.ac.ir

مقدمه

نظم عمومی و اخلاق حسنه از مفاهیم کلیدی در هر نظام حقوقی است که همواره به عنوان یکی از مهمترین دغدغه‌های مشترک حکومت مبتنی بر وجود نظمی‌پایدار است و این مسئله در نظام‌های حقوقی اقتدارگرا می‌تواند موجبی برای تحدید، تضییق یا انکار حقوق و آزادی‌های بنیادین شهروندان قرار گیرد هر چند در نظام‌های دموکراتیک نیز فضا به شدت برای انسداد حقوق افراد فراهم است مگر اینکه تضمینات قدرتمندی در این خصوص وجود داشته باشد. با وجود این، گفته می‌شود که حتی در نظام‌های لیبرال دموکرات نیز حفظ «نظم عمومی» به همان میزان آزادیهای فردی اهمیت دارد.

در عین حال، نظم عمومی‌یکی از مفاهیمی‌است که معنای صریح و واحدی ندارد و در تعاریفی که از آن ارائه شده است به خصوص در مبانی و مصادیق ابهامات فراوانی وجود دارد. البته در علم بعضاً اصطلاحاتی وجود دارند که علی‌رغم اهمیت بسزایی که دارند، نوعی ابهام در مفهوم خود دارند اصطلاح نظم عمومی‌نیز یکی از آنهاست که در بسیاری از قوانین موضوعه کشورها و از جمله ایران تعریف نشده است و حقوقدانان نیز در تعریفی که به صورت واحد و صریح و قابل استفاده باشد چندان موفق نبوده‌اند و اکثر آنان به ارایه ی یک تعریف کلی بسنده نموده‌اند همچنین بسیاری از حقوق دانان معتقدند که اخلاق حسنه چهره خاصی از نظم عمومی است.

با توجه با اینکه انسان متولد در محیط زیست خود است محیطی که به وی بقای فیزیکی فرصت تولید ثروت، رشد معنوی اخلاقی، اجتماعی و روحی عطا می‌کند ضرورت مطالعه محیطزیست را از جنبه های اقتصادی، اجتماعی، اخلاقی، روانی و حقوقی مبرهن می‌سازد.

در این میان مطالعه جنبه حقوقی محیط زیست مهمتر از مطالعه سایر جنبه‌های آن جلوه می‌کند زیرا تأثیر جنبه‌های مختلف دیگر محیط زیست بر زندگی انسان، وابسته به بقاء و حفاظت از آن می‌باشد و با نابودی آن صحبت از تأثیر اقتصادی روانی و اجتماعی محیط زیست بر زندگی بشر شاید بی معنی خواهد بود بر همین اساس است که حفاظت از محیط زیست به عنوان یکی از نگرانیهای جوامع کنونی بشری به شمار می‌رود. امروزه افزایش انفجار آمیز، جمعیت بهره‌برداری غیرمعقول از منابع طبیعی، تخریب و دگرگونی کاهش یابنده تنوع زیستی گسترش روزافزون آلودگیها که به انحاء گوناگون هوا، خاک و آبهای جهان را تحت تأثیر اثرات زیان بار قرار داده است و نیز تنزل کیفیت زندگی طبیعی انسانها در نتیجه برهم خوردن تعادل و تناسب محیط زیست موجب شده است تا دولتها، سازمانها و جوامع بین‌المللی به تدوین و اجرای قوانین و مقرراتی برای جلوگیری از آلودگی و تخریب محیط زیست مبادرت ورزند به

همین لحاظ امروزه مطالعه حقوق محیط زیست در بین مطالعات دیگر راجع به محیط زیست از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده و رشته حقوقی مستقلی نیز تحت عنوان حقوق محیط زیست در کنار سایر رشته های حقوقی به وجود آمده است.

تدوین اصول و قواعد الزام‌آور زیست‌محیطی به تدریج موجب توسعه حقوق محیط زیست چه در ابعاد ملی و چه در سطح بین‌المللی گردیده است و در حال حاضر قوانین و مقررات زیست محیطی یکی از مهمترین ابزار و عوامل مدیریت محیط زیست و حفاظت از منابع آن محسوب می‌شود.

هر چند حل تمام معضلات و مشکلات زیست محیطی با اجرای قوانین مقدور نبوده و آگاه سازی و تنویر افکار عمومی‌و نهادینه کردن این موضوع یعنی حفاظت از محیط زیست در فرهنگ و رفتارهای اجتماعی مردم را نیز طلب می‌کند و همین طور وقتی بلایای طبیعی مثل فوران آتشفشان و سیل موجب خرابی محیط زیست می‌گردد از قوانین و مقررات کاری ساخته نیست ولی قوانین به طور قطع می‌تواند رفتارهای انسانی را در جلوگیری از فاجعه‌های طبیعی و واکنش نسبت به آنها تحت نظم در آورد به عبارت دیگر پیشگیری و ممانعت از آلودگی و تخریب محیط زیست و تنظیم روابط بین انسان و محیط زیست بدون وجود قواعد حقوقی الزام آور ممکن نخواهد بود.

پیدایش و توسعه حق بر محیط زیست سالم به عنوان حقوق نسل سوم با افزایش هر چه بیشتر مسائل و مشکلات زیست محیطی همراه بود. «تخریب لایه ازن»، پدیده ال نینو «تغییرات آب و هوایی»، «باران‌های اسیدی»، «انفجار جمعیت»، نابودی روزافزون جنگلها و گونه‌های نادر گیاهی و حیوانی همگی جهان را به سمت یک فاجعه زیست محیطی پیش برده و آینده کره زمین را با ابهام مواجه ساخته است.

دوره سوم ارتباط بشر با محیط زیست، عصر «آگاهی تعامل و همزیستی با طبیعت و محیط زیست» است. اوج این آگاهی‌های زیست محیطی دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ که با اوج مصائب زیست محیطی بشر همراه بود را عصر بیداری و آگاهی اکولوژیک بشر می‌دانند. در این دوره بشر معاصر دریافت که اگر شیوه زندگی، روشهای تولید و مصرف خود را به طور جدی تغییر ندهد، هرچه بیشتر باید شاهد نابودی طبیعت پیرامون خود باشد. به همین دلیل به شکل یک جنبش بین‌المللی به همکاری‌های گسترده بین‌المللی در جهت نهادینه کردن حق بر محیط‌زیست سالم و حقوق محیط‌زیست متوسل گردید.

نگاهی به وضعیت ایران نیز نشان‌دهنده اهمیت تاریخی توجه به حق بر محیط زیست سالم است ایران کشوری است که در منطقه‌ای خشک از آسیا و جهان قرار گرفته است حدود دو سوم آن را بیابان

تشکیل می‌دهد و تنها در قسمت‌های شمالی و بخشی از قسمت غربی آن جنگل وجود دارد که آن هم به شدت در حال تخریب است. وضعیت از بین رفتن مراتع نیز بسیار شدیدتر است. وجود دام مازاد بر ظرفیت در مراتع و چرای بی‌رویه به فقر هرچه بیشتر مراتع دامن می‌زند فرسایش دائمی‌خاک بر اثر از بین رفتن مراتع و افزایش وقوع سیل از بین رفتن پوشش گیاهی اعم از مراتع و جنگلها و تحدید روز افزون جمعیت وحوش از بین رفتن بسیاری از گونه‌های ارزشمند و منحصر به فرد جانوران ایرانی، مسائل و خطرات توسعه همه جانبه کشور حضور کارخانه‌ها و واحدهای تولیدی افزایش جمعیت کشور وجوان بودن آن وابستگی روبه افزایش شهروندان به اتومبیل و مشکلات آن و فاصله گرفتن از سنت‌های مناسب، تنها بخشی از مسائل زیست‌محیطی کشور است که اهمیت توجه به حق بر محیطزیست سالم را بیش از پیش نشان می‌دهد.

به نظر می‌رسد که قوانین و مقررات موجود اعم از داخلی و بین المللی نتوانسته‌اند در حد انتظار نظم عمومی‌مرتبط با محیط زیست را مستقر نموده و سامان بدهند و امروزه این موضوع از چالش‌های حیاتی نسل بشر در گستره جهانی است.

گفتار اول: مفاهیم

اهم مفاهیم مرتبط با موضوعات این نوشتار عبارتند از:

الف- مفهوم نظم عمومی

اصطلاح محیط زیست متشکل از دو کلمه محیط» و «زیست می‌باشد که هر کدام از این کلمات میتواند مفهوم جداگانه ای داشته باشد. واژه «محیط به معنای آنچه که احاطه می‌کند احاطه اشیاء یا ناحیه یا موقعیت عمل احاطه کردن و نتیجه این عمل جمع کلیه شرایط خارجی و اثر آنها در زندگی و توسعه موجودات، مجموعه عوامل فیزیکی شیمیایی بیولوژیکی و عوامل اجتماعی که در یک لحظه معین قادر به اثر گذاردن مستقیم یا غیرمستقیم فوری یا زمان‌دار در موجودات زنده و فعالیت انسان باشند فرا گرفتن نفوذ کردن، تحت نفوذ قرار دادن شرایط و اوضاع و احوال و مانند آن تعبیر شده است (قاسمی، ۱۴۰۲: ۲۴-۲۳)

در خصوص کلمه «زیست» نیز معانی متعددی یافت می‌شود از جمله چیزی است که یک شخص برای زنده ماندن به آن نیاز دارد تهیه کردن غذای کافی یا پول کافی برای زنده نگاه داشتن خود حیات زندگی و عمر زندگانی ،اعاشه امرار معاش دوام وسیله معیشت قلمرو حیات و زندگی هستی، وجود داشتن

و مانند آن بنابراین میتوان گفت که محیط زیست از نظر لغوی به معنای محلی که آدمی‌را احاطه کرده است و نیز قلمرو حیات و زندگی است (قاسمی، ۱۴۰۲: ۲۴-۲۵)

در قوانین و مقررات کشور جمهوری اسلامی‌ایران اعم از قانون اساسی یا قوانین عادی و نیز سایر قوانین و مقررات کشور جمهوری اسلامی‌ایران اعم از قانون اساسی یا قوانین عادی و نیز سایر مقررات تعریفی جامع و مانع از محیط زیست بعمل نیامده است. تعاریفی گوناگون از این مقوله در کتب‌های مختلف وجود دارد که به بیان پاره‌ای از آنها خواهیم پرداخت.

«محیط زیست مجموعه‌ای از عوامل طبیعی و انسانی و عناصری که به طور متقابلی با یکدیگر مرتبط بود و بر تعادل زیستی و کیفیت حیات، سلامتی بشر میراث فرهنگی و تاریخی و چشم‌انداز اثر می گذارد». (شیلتون و کیس، ۱۳۸۹:۴۰)

همچنین ماده ۵ قانون حفاظت از محیط زیست اسلونی مصوب سال ۱۹۹۳ این گونه محیط زیست را تعریف نموده است:

«محیط زیست شامل موارد زیر است:

منابع طبیعی اعم از زنده یا غیر زنده مانند هوا، آب، خاک جانوران و گیاهان و تعامل عوامل یاد شده با اموالی که قسمتی از میراث فرهنگی را تشکیل می‌دهند.

مناظر چشم‌انداز شاخص». (شیلتون و کیس، ۱۳۸۹:۴۰)

در تعریف دیگری آمده است که محیط زیست متشکل است از نظامهای اتمسفر (که از هوا و ذرات آب و ذرات معلق تشکیل شد). پدوسفر (زمین)، بیوسفر (قشر زیست محیطی) و هیدروسفر (آب)» (لواسانی، ۱۴۰۲: ۳-۴)

همچنین در تعریفی دیگر آمده است که «محیط زیست عبارت است از محیطی که فرآیند حیات را فرا گرفته و با آن برهم کنش دارد. محیط زیست از طبیعت جوامع انسانی و نیز فضاهایی که با فکر و به دست انسان ساخته شدهاند تشکیل یافته است و کل فضای زیستی کره زمین یعنی زیست‌کره (بیوسفر) را فرا می‌گیرد.» (بهرام سلطانی، ۱۴۰۱: ۱)

با امعان نظر تعریف فوق محیط زیست شامل: کره، زیست کره می‌شود و از آن یک واحد منسجم متصور است اما باید توجه داشت که گرچه محیط زیست شامل کل این مجموعه میشود اما این مجموعه بزرگ یکنواخت و همانند نیست و از محیطهای گوناگون نظیر، محیطهای مرتعی،[1] بیابانی جنگلی،

1.steppe

کوهستانی دریایی ... تشکیل شده است و هر یک از این محیطها ارتباط متقابل با یکدیگر دارند و به همین سبب است که این واحد منسجم در برابر تغییراتی که در هر کدام از این محیطها پدید می‌آید از خود عکس العمل نشان می‌دهد بنابراین هر یک از این محیطها به منزله جزئی از کل است. که فعل و انفعالات موجود در آنها در قالب کل یا به عبارتی زیست‌کره قابل فهم و توجیه است (قاسمی، ۱۴۰۲: ۲۶-۲۷)

همچنین در تعریفی دیگر آمده است: «محیط زیست یک هدیه الهی است که از مجموعه منابع موجودات علل و شرایط هماهنگی که گرداگرد هر موجود زنده وجود دارد و استمرار زندگی و حیات منوط و وابسته به آن است تشکیل می‌شود.» (هنری، ۱۳۶۲: ۱۸) همچنین بموجب متن حقوقی مصوب شورای جامعه اقتصادی اروپا در ژوئن ۱۹۶۷ در تعریف محیط زیست آمده است: «محیط زیست شامل: آب، هوا خاک و عوامل درونی و بیرونی مربوط به حیات هر موجود زنده می‌گردد و بموجب ماده یک قانون حفاظت محیط زیست انگلستان مصوب سال ۱۹۹۰ محیط زیست شامل همه یا بخشی از عناصر تشکیل دهنده محیط طبیعی اعم از آب، هوا، خاک چه در سطح و چه در عمق در حالت طبیعی یا محیط انسان ساخته می‌باشد» (فیروزی، ۱۳۹۹: ۱۸)

پس در تعریف محیط زیست باید بگوییم که محیط زیست عبارت است از: «هر پدیده‌ی جاندار یا بی جان که عدم وجود آن اختلال در چرخه‌ی روزمره طبیعت بوجود می‌آورد حال چه این پدیده به خودی خود حادث گردیده باشد و چه ساخته دست نوع بشر بوده و جز مناظر ویژه و چشم انداز فرهنگی باشد همه این مجموعه عوامل در محیط زیست جا گرفته‌اند.»

با توجه به تعاریف ارائه شده محیط زیست به دو بخش عمده تقسیم می‌شود:

۱- محیط زیست طبیعی

محیط زیست طبیعی به آن بخش از محیط زیست اطلاق می‌گردد که آدمی‌در ساخت آن هیچ دخالتی نداشته است، بلکه از موهبت‌ها و الطاف خداوند به نوع بشر بوده و شامل: دریا، کوه، جنگل، رودخانه، مراتع با تلاقها... می‌باشد که عوامل تشکیل دهنده‌ی محیط زیست طبیعی شامل عوامل جاندار گیاهان و جانوران و عوامل بی‌جان (آب، هوا، خاک) می‌باشد. (فیروزی، ۱۳۸۴: ۱۸)

۲- محیط زیست انسانی

به آن بخش از محیط زیست اطلاق می‌گردد که ساخته دست بشر می‌باشد و زاییده تفکر اوست. (فیروزی، ۱۳۹۹: ۱۸)

«بنابراین بطور خلاصه می‌توان گفت که کد شهرها با تمام اجـزاء قسـمت‌هـا و محتوایشـان محـیط زیست مصنوعی ما را تشکیل می‌دهند، خانه‌ها و مدارس کارخانـه‌هـا خیابانهـا فرودگاههـا و ماننـد اینهـا اجزای این بعد از محیط زیست محسوب می‌شوند.»

ب- مفهوم حقوق محیط زیست

ارزیابی‌های حقوقی همواره مستلزم وجود یک رابطه بین اشخاص اسـت (دل وکیـو، ۱۳۹۹: ۴۰) و بـدون وجود اجتماع که متشکل از روابط است حقوق و ارزیابی‌های حقوقی بی معنی است. زیـرا وظیفـه حقـوق تنظیم روابط در اجتماع است و از این جهت باید گفت که علت بو جـود آمـدن حقـوق، وجـود اجتمـاع و جریان روابط گوناگون در آن است.

حقوق از این دیدگاه به مجموعه‌ای از مقررات اطلاق می‌شود که بر روابط افراد یک جامعـه سیاسـی حکومت دارد (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۲: ۸۲) و یا به عبارت دقیق تر به مجموعه‌ای از قواعـد الـزام آور و کلی گفته می‌شود که بر زندگی اجتماعی انسان حکومت می‌کند (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۵۴۹)

از طرف دیگر با توجه به مفهوم محیط زیست که از طرف دانشمندان و محققان ارائه شده است و آن را عبارت از محیطی می‌دانند که بشر در آن زندگی می‌کنـد (آخونـدزاده، ۱۳۸۰: ۸) و یـا آن را بـه معنـی «محیط زندگی بشر یا آن بخش از جهان که بنا به دانش کنونی بشر همـه حیـات در آن اسـتمرار دارد» اطلاق می‌نمایند (کیس، ۱۳۸۴: ۵) به وضوح می‌توان به وابستگی انسان و محیط زیست و روابط لاینفک و تأثیر و تأثر متقابل آنها پی برد و از آنها به عنوان مهمترین عناصر تشکیل دهنده هر اجتماع یاد کرد.

بنابراین با توجه به اینکه حقوق مجموعه مقررات حاکم بر زنـدگی اجتمـاعی انسـان بـوده و زنـدگی اجتماعی انسان نیز در محیط زیست او و نیز در ارتباط با آن است و جریان صحیح این رابطه یعنی رابطـه انسان با محیط زیست و بهره مندی برابر همه انسانها از آن و تداوم آن مستلزم تنظـیم دقیـق آن روابـط می‌باشد؛ لذا در هر جامعه‌ای یک سلسله قواعد الزام آوری برای این منظور وضع و مقرر گردیده است کـه می‌توان مجموعه آن قواعد و مقررات الزام آور را به عنوان حقوق محیط زیست تعبیر کرد. پس در مفهوم حقوق محیط زیست می‌توان گفت: مجموعه قواعد و مقرراتی است که به منظـور ایجـاد نظـم و اسـتقرار عدالت، بر روابط انسان و محیط زیست او حکومت می‌کند و اجرای آن از طرف دولت تضمین می‌شود.

با توجه به وصف الزامی‌بودن این مقررات و ضمانت اجرایی که در آنها پیش بینی شده اسـت میتـوان به قدرت بازدارندگی آن در لطمه به محیط زیست امیدوار بود. البته داشتن اعتقاد قطعی و مسلم بـه حـل تمام مشکلات توسط مقررات زیست محیطی دور از واقعیت است ولی اینکه ابزارهای قانونی هم به کلـی

به کنار گذاشته شود نیز معقول نبوده و نتیجه‌ای جز فروپاشیدن حفاظت از محیط زیست نخواهد داشت (موسوی، ۱۳۹۵: ۲۴)

گاه حقوق محیط زیست دارای ماهیت حقوق عمومی‌تلقی شود در آمره بودن قواعد و مقررات آن تردیدی وجود نخواهد داشت و مجریان آن مقررات توانایی اسقاط آن را نخواهند داشت مثلاً وقتی مقرراتی تکلیف می‌کند که کارخانجات باید دستگاه‌های دودزای خود را مجهز به فیلتر تصفیه کننده بنمایند، در این صورت سازمان محیط زیست نمی‌تواند با اخذ جریمه‌ای کارخانه‌ای را از انجام چنین تکلیفی معاف بکند ولی چنانچه مقررات محیط زیست را از ماهیت حقوق خصوصی برخوردار بدانیم در این حالت در آمره بودن مقررات مزبور با تردید و شک مواجه خواهیم شد زیرا بسیاری از مقررات حوزه حقوق خصوصی از جنبه تکمیلی و تخییری برخوردار هستند و امکان استقاط چنین مقرراتی با توافق مجریان وجود دارد. اینک با توجه به مطالب مزبور باید دید که حقوق محیط زیست از چه ماهیت حقوقی برخوردار می‌باشد؟ آیا حقوق محیط زیست جزء حقوق عمومی‌است یا حقوق خصوصی؟ پاسخ این سوال کمی‌با دشواری همراه است و علت دشواری نیز اختلاف نظری است که در ضابطه تشخیص حقوق عمومی‌از حقوق خصوصی وجود دارد و این اختلاف تا حدی است که بعضی از حقوق دانان تا هفده معیار را برشمرده‌اند که از دشواری تشخیص حقوق عمومی‌و خصوصی از یکدیگر حکایت دارد.

در اینجا به منظور پاسخ به سوال اصلی یعنی تعیین ماهیت حقوق محیط زیست، صرفاً به طرح ضابطه ای که برای تمیز حقوق عمومی‌و حقوق خصوصی صحیح تر به نظر میرسد اکتفا می‌کنیم:

حقوق عمومی، همان طور که از نام آن پیداست به جامعه مربوط می‌شود. بنابراین، حضور دولت به عنوان نماینده جامعه دست کم در یک طرف رابطه حقوقی ضرورت دارد. اما صرف حضور دولت، موجب عمومی‌شدن رابطهٔ حقوقی نمی‌شود چرا که ممکن است دولت از یک موقعیت مساوی با طرف دیگر برخوردار باشد حضور دولت زمانی موجب عمومی‌شدن رابطهٔ حقوقی می‌شود که دولت از موقعیت ممتاز و برتر بهره مند باشد و آن در صورتی است که در مقام اعمال حاکمیت باشد در حالتی که دولت در مقام اعمال تصدی است و به کارهایی که در بین مردم رواج دارد مانند تجارت، مبادرت می‌ورزد، دولت از یک موقعیت مساوی با مردم برخوردار می‌باشد به همین دلیل، برخی حقوق عمومی‌را چنین تعریف کرده‌اند: «رابطه‌ای حقوقی است که دولت به اعتبار اینکه دارای حاکمیت است، در یک طرف آن قرار گیرد» (فرج، ۱۹۸۹: ۳۳).

ولی حاکمیت همیشه و مستقیماً به وسیله دولت اعمال نمی‌شود بلکه گاه مراکز غیردولتی، همچون دفاتر ثبت اسناد و املاک اتاق بازرگانی و امثال آن نیز عملاً به نمایندگی از طرف دولت عهده دار این مسئولیت می‌شوند. پس ضرورتی ندارد حقوق عمومی‌را بر اساس حضور دولت در یک طرف رابطهٔ حقوقی تبیین کنیم بلکه می‌توان گفت حقوق عمومی‌آن بخش از قواعد حقوقی است که بر روابط حقوقی مربوط به حاکمیت و اعمال آن نظارت دارد، و حقوق خصوصی آن بخش از حقوق است که عنصر حاکمیت در آن نقشی ندارد. (سلطان، ۱۹۹۳: ۳۷)

پس با توجه به ضابطهٔ سیاسی و اعمال حاکمیت حقوق عمومی‌و خصوصی را می‌توان چنین تعریف کرد:

«حقوق عمومی‌آن بخش از قواعد حقوقی است که روابط دولت، سازمانهای دولتی و سازمانهای جانشین (مثل دفاتر ثبت اسناد و املاک اتاق بازرگانی و ....) را با یکدیگر، با آحاد مردم با اشخاص حقوقی حقوق خصوصی (شرکتهای تجاری و مؤسسات غیرانتفاعی) و با دیگر دولتها از مقام اعمال حاکمیت تنظیم می‌کند و حقوق خصوصی، آن بخش از قواعد حقوقی است که روابط اشخاص حقیقی یا حقوقی را با یکدیگر یا با دولت، سازمانهای دولتی و سازمانهای جانشین از مقامی‌مساوی با آحاد مردم تنظیم می کند. (دانش پژوه، ۱۳۸۹: ۲۱)

اینک با توجه به روشن شدن مفهوم حقوق عمومی‌و حقوق خصوصی می‌توان به ماهیت حقوق محیط زیست پی برد و به راحتی آن را از ماهیت حقوق عمومی‌برخوردار دانست، زیرا موضوع محیط زیست که عبارت از آب، هوا، خاک و عوامل درونی و بیرونی مربوط به حیات هر موجود زنده است، قسمت عمده حاکمیت ملی کشورها را به خود اختصاص داده است. باید گفت آنچه از عناصر اصلی تشکیل دهنده یک دولت محسوب می‌شود خاک (سرزمین) با تمام لوازم و توابع آن مانند آب و هوا و گیاهان و حیوانات و نیز افراد انسانی واقع در آن سرزمین بوده و اعمال حاکمیت دولت نیز ناظر به سرزمین معین (خاک) و افراد با تشکیل دهندهٔ آن است. به عبارت دیگر رابطهٔ مستقیم دولت جهت اعمال حاکمیت با سرزمین و افراد انسانی آن است و مقرراتی که جهت اعمال حاکمیت در هر کشوری وضع می شود چیزی جز حقوق عمومی‌نمی‌باشد؛ بنابراین در هر کشوری یک سلسله مقرراتی جهت تنظیم روابط افراد با دولت و سازمان‌های دولتی و نیز روابط افراد با عناصر تشکیل دهنده محیط زندگی خود مانند آب و هوا و خاک که به همراه افراد انسانی سازنده یک کشور هستند، وجود دارد که مجموعه آن مقررات همگی جهت اعمال حاکمیت دولت و حفظ نظم عمومی‌کشور میباشد و دیدیم که به مجموعه مقرراتی

که در جهت تنظیم روابط در اجتماع از مقام اعمال حاکمیت باشد حقوق عمومی‌گفته می‌شود پس مقرراتی که در هر کشوری در زمینه محیط زیست یعنی خاک آب هوا و عوامل مربوط به حیات موجودات زنده وجود دارد، جزء حقوق آن کشور محسوب می‌شود.

با توجه به ماهیت عمومی‌حقوق محیط زیست می‌توان قائل به این نظر شد که هرگونه مقرراتی که در خصوص حمایت از محیط زیست و تنظیم روابط عناصر آن یعنی انسان با حیوانات، گیاهان و خاک و هوا و غیره وضع شود جنبه آمره داشته و نمی‌توان با پرداخت جریمه و یا با توافق با سازمان‌های دولتی ذی‌ربط به محیط زیست از اجرای مقررات راجع به محیط زیست خودداری کرد.

قانون اساسی جمهوری اسلامی‌ایران نیز با توجه به ماهیت عمومی‌محیط زیست به عنوان مهم‌ترین عنصر تشکیل‌دهنده در جامعه حمایت از محیط زیست را از وظایف اصلی دولت جمهوری اسلامی‌ایران دانسته و تخریب یا آلودگی آن را به هر نحوی که باشد ممنوع اعلام می‌کند و در اصل پنجاه چنین مقرر می‌دارد: «در جمهوری اسلامی‌حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی‌تلقی می‌گردد از این رو فعالیتهای اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است.» نظر به اصل مزبور نه تنها اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی حق آلودگی محیط زیست و نیز تخریب آن را ندارند بلکه مرجع قانون گذاری نیز حق ندارد به تصویب مقرراتی بپردازد که آلودگی یا تخریب محیط زیست را تجویز می‌نماید زیرا طبق اصل هفتاد و دوم قانون مصوبات مجلس شورای اسلامی‌نمی‌تواند بر خلاف قانون اساسی باشد.

گفتار دوم: انعکاس نظم عمومی‌در حقوق محیط زیست

واضح است که یکی از اهداف مهم نظامهای حقوقی در تمامی‌حوزه‌ها استقرار و تقویت نظم عمومی می‌باشد به این هدف اگر تصریح هم نشده باشد، تلویحاً می‌توان در متن قواعد، مقررات حقوقی جستجو نمود. حقوق محیط زیست نیز از این قاعده مستثنی نیست. این بحث را در دو قسمت حقوق محیط‌زیست داخلی و حقوق محیط‌زیست بین‌المللی مورد مطالعه قرار می‌دهیم.

الف- انعکاس نظم عمومی‌در خصوص محیط زیست داخلی

محیط زیست هر کشور که جزئی از قلمرو سرزمینی و حاکمیت آن کشور تلقی می‌شود مدیریت مربوط به آن از وظایف اصلی و حاکمیتی هر دولتی به حساب می‌آید و منظور از مدیریت محیط زیست چگونگی حفظ و ابقاء و تأمین سلامت و جلوگیری از اعمالی است که وجود سلامت آن را تهدید می‌کند

مهم‌ترین ابزار برای مدیریت محیط زیست مانند هر امر دیگر اجتماع، وجود مقررات جامع و منسجم و اصولی در هر جامعه‌ای است و چون وظیفه اصلی هر دولتی، تأمین نظم و منافع عمومی‌افراد جامعه در قلمرو سرزمین تحت حاکمیتش می‌باشد از این رو قانون گذار هر کشوری برای حمایت از محیط زیست و مدیریت آن، یک سلسله قواعدی را وضع می‌کند که مجموعه آن مقررات حقوق محیط زیست داخلی را تشکیل می‌دهد.

بنابراین در هر جامعه‌ای مکانیزیم حفاظت محیط زیست تحت قوانین و مقررات آن جامعه می‌باشد که معمولاً به سه شکل متجلی می‌شوند؛ در درجه اول قوانینی مد نظر است که جنبه کلی داشته و به عنوان اصلی از اصول قانون اساسی داخلی یک حوزه وسیع از محیط زیست زندگی (کشور) پیش بینی میشود تا حاکمیت در تصمیم گیری و قانون گذاری در زمینه محیط زیست بر مبنای آن اصل کلی گام بردارند و نتوانند بر خلاف آن مقرراتی در زمینه محیط زیست تصویب کنند. در کشور ما اصل پنجاهم قانون اساسی یکی از این اصول کلی است که مقرر می‌دارد: «در جمهوری اسلامی‌حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند وظیفه عمومی‌تلقی میگردد از این رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا کنند، ممنوع است و در درجه ،دوم، سیاستها و خط مشی مربوط به محیط زیست در میدان عمل و مرحله اجرا است که باید به عنوان یک دستور مراقبتی با احترام به ارزش‌های زیست محیطی در انطباق با وضع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی متداول در نظر گرفته شود. در این نوع مقررات قانون گذار ضوابط خاصی را جهت مراقبت از محیط زیست و جلوگیری از آن تخریب پیش بینی کرده و ضمانت اجرایی آن مقررات و نیز عواقب و آثار تخلف از آنها را گوشزد می‌کند و دادگاه‌ها و مراجع و سازمان‌های ذی ربط با محیط زیست و مردم نیز مجری آنها می‌باشند. در درجه سوم مقرراتی مد نظر هستند که تحت عنوان اسناد حقوقی شناخته شده‌اند و در آن اهداف بالا و بلند مدت با تعیین سیاست های زیست محیطی مورد نظر می‌باشد. محتوای این اسناد می‌توانند اقتصادی، سیاسی، اجتماعی یا آموزشی باشد. اجرای این اسناد غالباً نیازمند حمایت افکار عمومی‌است (تقی‌زاده انصاری، ۱۳۹۴: ۱۵). در

کشور ما مقررات راجع به محیط زیست در قوانین برنامه توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی و سند چشم انداز بیست ساله کشور از این قبیل اسناد هستند.

در توضیح باید گفت که اولین مقرره‌های قانونی که به حفاظت از محیط زیست ارتباط دارد مواد ۱۷۹ تا ۱۸۲ قانون مدنی مصوب ۱۸ اردیبهشت ۱۳۰۷ می‌باشد که اولین احکام قانونی در باب شکار محسوب می‌شوند. در ماده ۱۸۲ قانون مدنی مقرر می‌دارد مقررات دیگر راجع به شکار به موجب نظامات مخصوصه معین خواهد شد. ۲۰ سال بعد یعنی در تاریخ ۲۰ شهریور ۱۳۲۷ هیأت وزیران مقررات حفاظتی در مورد شیلات تصویب کرد که به نوعی جنبه‌ی حفاظت از منابع را دارد در این مصوبه صید ماهی از طریق مواد سمی‌و مخدر بطری محتوی آهک و مواد منفجره و دینامیت ممنوع اعلام شده بود.

در سال ۱۳۳۵ قانون شکار به عنوان اولین قانون مستقل مربوط به حفاظت از محیط زیست ۷ ماده و ۱۰ تبصره به تصویب مجلس وقت رسید و کانون شکار نیز طبق ماده ۱ این قانون جهت حفظ نسل و حوش و اجرای مقررات شکار تشکیل گردید. آیین نامه اجرائی این قانون شکار در سال ۱۳۳۶ به تصویب هیأت وزیران رسید.

در ۱۶ خرداد ۱۳۴۶ قانون شکار و صید مشتمل بر ۳۱ ماده به تصویب رسید. این قانون در سالهای ۱۳۵۳ و ۱۳۵۷ نیز مورد اصلاح واقع شده است. آیین‌نامه اجرایی قانون مشتمل بر ۶ فصل و ۳۶ ماده در تاریخ ۱۳۴۶/۱۰/۹ به تصویب هیأت وزیران رسید که در تاریخ ۱۳۷۴/۱/۳۰ اصلاح گردید در این آیین نامه مقررات مربوط به شکار صید خرید و فروش تکثیر و پرورش واردات و صادرات حیوانات وحشی و نحوه همکاری سایر سازمانهای دولتی و وزارتخانه‌ها با سازمان حفاظت محیطزیست روشن شده است. (تقی زاده، ۱۳۹۶: ۴۹)

در ۲۸ خرداد ۱۳۵۳ قانون حفاظت و بهسازی به تصویب رسید که در تاریخ ۱۳۷۱/۸/۲۴ اصلاح گردید آیین نامه اجرائی این قانون مشتمل بر ۹ فصل و ۴۸ ماده در تاریخ ۳ اسفند ۱۳۵۴ به تصویب هیأت وزیران رسید که در سالهای ۱۳۶۹، ۱۳۷۴، ۱۳۷۵ اصلاح گردید. این آیین نامه به تعاریف و مقررات مربوط به حفاظت از مناطق ۴ گانه (پارک ملی، منطقه حفاظت شده، حیات وحش، آثار ملی) که تحت نظارت سازمان حفاظت محیط زیست می‌باشد پرداخته است. (ساعد و تیلا، ۱۳۹۷: ۲۸-۳۳)

همچنین در ۲۹ تیر ۱۳۵۴ به استناد ماده ۱۰ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست آیین نامه اجرایی جلوگیری از آلودگی هوا به تصویب کمیسیون مربوطه رسید. همچنین آیین‌نامه جلوگیری از

آلودگی آب در تاریخ ۲۴ آذرماه ۱۳۶۳ مشتمل بر ۲۱ ماده به تصویب هیأت وزیران رسید کـه ایـن آیـین نامه در سال ۱۳۷۳ مورد تجدیدنظر قرار گرفت.

اما بعد از پیروزی انقلاب اسلامی‌نیز می‌توان توجه قانونگذار را به حیطه‌ی محـیط زیسـت در قـوانین مختلف و مشاهده نمود که عبارتند از: قانون اساسی و قوانین عادی (اعم از قانون عام و قوانین خـاص و قوانین برنامه‌ای).

ب- انعکاس نظم عمومی‌در حقوق محیط زیست بین المللی

امروزه محدود کردن زندگی و ارتباط در چهارچوب یک کشور برای دولت‌ها ممکن نیست. هر چند دولتها ممکن است در جهت اعمال حاکمیت خود و به منظور حفظ مصالح کشور، روابط اجتماعی و سیاسی خـود را با کشورهای دیگر قطع کند ولی امکان اعمال این سیاست یعنی قطع روابط با کشورهای دیگر بویژه با کشورهای همسایه به جهت ماهیت خاص مسأله آلودگی محیطزیست برای آنها مقدور نمی‌باشـد زیـرا از یک طرف آلودگی وسیع محیطزیست در یک کشور موجبات آلـودگی محیطزیسـت کشـورهای دیگـر از جمله کشورهای همسایه را فراهم می‌کند و می‌توان گفت که مسأله آلودگی هیچ مرز و قلمـرو سـرزمینی نمی‌شناسد و آب و هوا مواد آلودکننده خطرناک را از یک کشور به کشور دیگـر انتقـال مـی‌دهـد. چنـین انتقال آلودگی از قلمروی به قلمرو دیگر، می‌تواند از ایجاد یک حادثه مجزا و منفرد در قلمرو یـک کشـور به محیط زیست کشورهای دیگر آسیب رسانده یا از طریق انتشار مستمر مواد محیط زیسـت کشـورهای دیگر را تحت تأثیر قرار دهد از طرف دیگر مدت‌هاست که این موضوع کـه انسـانها حـق دارنـد در یـک محیط زیست سالم زندگی بکنند به عنوان یک حق بنیادین شناخته شده است. (برنیر، ۱۳۹۵: ۵۳) و ایـن تلقی در اعلامیه توسعه هزاره جدید در سال ۲۰۰۰ میلادی به عنوان یک تعهد همگانی شناسایی گردیده است (ساعد وکیل، ۱۳۹۳: ۲۶۵). کما اینکه در کنفرانس استکهلم ۱۹۷۲ حقوق محیط زیست بـه عنـوان شاخه‌ای از حقوق بشر مورد شناسایی واقع گردید بعلاوه به موجـب اصـول حقـوق بین‌الملـل، مسـئولیت جلوگیری از آلودگی مرز گذر تنها بردوش دولتها ،است هر چند که آلـودگی ناشـی از اقـدامات اشـخاص خصوصی باشد (موسوی، ۱۳۹۰: ۴۲) و نیز بی توجهی به محیط زیست منجـر بـه ورود صـدمات جبـران ناپذیر از دست دادن فرصت‌ها و انزوای اقتصادی و در نهایت توقف رشـد کشـورها خواهـد شـد (معینـی میبدی، ۱۳۹۴: ۲۴۶).

بر اساس این ملاحظات، دیگر حمایت از محیط زیست صرفاً محدود به قلمرو سـرزمینی یـک کشـور نمی‌شود بلکه سیاست گذاری کشورها و وضع مقررات بازدارنده و حمایت کننده در مـورد محـیط زیسـت

ناظر به محیط زیست کشورهای همسایه و شاید کل جهان نیز می‌باشد. به عبارت دیگر به خاطر ارتباط تنگاتنگ محیط زیست کشورها کشورها از یک طرف برای جلوگیری از ورود خسارت به محیط زیست کشورهای همسایه و جلوگیری از ایجاد مسئولیت برای دولت به خاطر ورود آن ضررها و نیز اتخاذ سیاست کلی و نیز مقررات بازدارنده و حمایت کننده مبادرت به وضع مقرراتی در داخل کشور می‌نمایند و غالباً برای رسیدن به اهداف مزبور لاجرم از برقراری ارتباط و مذاکره و انعقاد قرارداد با کشورهای دیگر هستند هر چند که روابط اقتصادی و سیاسی خوبی هم نداشته باشند و حتی روابط مزبور قطع باشد. بنابراین در هر کشوری یک سلسله مقرراتی وضع می‌شود که هدف از وضع آن مقررات تنظیم روابط کشورها در زمینه مسأله محیط زیست می‌باشد. کشورها با وضع این مقررات مشخص می‌کنند که دولت و اشخاص خصوصی چه رفتاری باید در کشور داشته باشند، تا موجب آلودگی محیط زیست کشورهای دیگر نشود و اگر در اثر فعالیت اشخاص خصوصی یا قصور دولت در نظارت به فعالیت اشخاص ضرر و زیان به محیط زیست کشورهای دیگر وارد شود این ضرر چگونه و با چه شرایطی قابل جبران می‌باشد این مقررات غالباً به شکل قانون بوده که در مجلس قانون گذاری هر کشوری به تصویب میرسد و یا اینکه کشورهای همسایه با انعقاد عهدنامه‌های دو جانبه به این هدف می‌رسند پس به مجموعه مقرراتی که در هر کشوری در زمینه آلودگی مرزگذر اعم از اینکه به شکل قانون یا عهدنامه باشد، حقوق محیط زیست بین‌المللی اطلاق می‌شود در واقع این مقررات جنبه داخلی داشته که برای اجرا در روابط بین‌المللی پیش بینی گردیده است.

شاید بتوان گفت که در گذشته آلودگی محیط زیست قلمرو محدودی داشته و غالباً فعالیت نادرست و غیراصولی اشخاص خصوصی و دولت موجب تخریب و آلودگی محیط زیست داخل کشور و ورود ضرر به افراد جامعه آن کشور به خصوص می‌شد و در صورت وسیع بودن دامنه آلودگی، خطر آن حداکثر محدود به همسایگان کشور عامل ورود زیان می‌گردید. اما امروزه با توجه به ماهیت و نوع مواد آلاینده و تخریب کننده و نیز نوع آلودگی و تخریب و وابستگی اقتصادی کشورها بر یکدیگر نمی‌توان آلودگی محیط‌زیست را صرفاً موجب برهم زدن نظم عمومی‌داخلی دانست بلکه به جهت قلمرو بسیار وسیع آنها که شامل تمام کره زمین است، آلودگی محیط زیست در یک کشور را موجب برهم خوردن نظم عمومی‌در کل جهان تلقی کرد و بر این اساس است که برخی از حقوقدانان معتقدند که حقوق محیط زیست و نظم عمومی بین‌المللی ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند و ارزش‌های زیست محیطی در پاره ای موارد واجد ویژگی قاعده آمره و تعهدات عام الشمول می‌باشند. (نژندی منش و خیاطان، ۱۳۹۸: ۲۰۱)

هر روز در شبکه‌های گوناگون خبری گزارشات متعددی راجع به آلودگی هوا به اطلاع جهانیـان مـی رسد از جمله وقوع حوادثی نظیر سیل سال ۲۰۱۰ پاکستان و انفجار دکل حفاری در خلیج مکزیـک، بهـار زود هنگام اروپا کاهش برف و باران در زمان غیر مناسب در کوه‌های آلپ، بارانهـای سـیل آسـا در خـاور نزدیک، خشکسالی بی سابقه در اسپانیا و آفریقای شرقی و قسمتی از آسیا، یخبندان ملایم در سیبری یـا طوفان شدید در بنگلادش و کارئیب، برهم خوردن توازن ،زمین افزایش گازهـای گلخانـه‌ای در اتمسـفر ،زمین دی اکسید کربن، متان، گاز کلروفلوروکربن که باعث تشعشعات غیرمتعـارف در سـطح زمـین مـی شود، گسترش صنایع نظامی، وارد کردن هزاران گونه سم به اکوسیستم پخش گازهـای خطرنـاک نظیـر اکسید ازت و بارش ناگهانی بارانهای اسیدی که ناشی از سوختن نفت چاهها و جنگل‌هاسـت، همگـی در جهت تخریب محیط زیست گام بر می‌دارد که غالباً تأثیر آنها نسبت به کل جهان است. با توجه به تـأثیر آلودگی محیط زیست در کشوری به کشورهای دیگر به عبارتی به کل جهان و آثـار سـوء آن نسـبت بـه جهانیان در کنفرانس استکهلم ۱۹۷۲ حقوق محیط زیست به عنوان شاخه ای از حقوق بشر شـناخته شـد که هم واجد وصف حقوق فردی حق هر قربانی تخریـب محـیط زیسـت و هـم ویژگـی حقـوق جمعـی مشارکت دولتی با یکدیگر برای حل مسائل زیست محیطی است و گزارشات و تحقیقات اخیر نشان مـی دهد که توجه به رفع آلودگی‌ها، مواجهه با بلایایی طبیعی و جلوگیری از تخریب طبیعت توسط انسانها به یکی از مهمترین چالش‌های بشری تبدیل شـده اسـت (Gunniangham, 2023: 3) نظـر بـه تـأثیر بین‌المللی آلودگی‌ها که دامنه تأثیر آن کل جهان بوده و ارتباط تنگاتنگ با نظم بین‌المللی دارد حمایت از محیط زیست و جلوگیری از آلودگی آن مستلزم مقررات فراملی الزام آور برای همه کشورها میباشـد. بـه عبارت دیگر برای داشتن محیط زیست سالم برای زندگی بشر، بایستی یک سلسله قواعـد و مقرراتـی در سطح جهان به منظور حمایت از محیط زیست و جلوگیری از آلودگی و تخریب آن وجود داشته باشـد بـه نحوی که همه کشورها مکلف به پیروی از آن باشند و روشن است که قواعد و مقررات داخلی کشورها و یا عهدنامه‌های دو جانبه نمی‌تواند چنین نقشی را در روابط بین‌المللی ایفـاء نمایـد زیـرا مقـررات داخلـی صرفاً برای کشور وضع کننده آن و نیز عهدنامه دو جانبه صرفاً بین دو کشور امضاء کننده قابلیت اجرایـی دارد و چنین مقرراتی نمی‌تواند رفتار کشورها را با محیط‌زیست نظم ببخشد و نظم بین‌المللی را در جهـان برقرار نماید. این است که باید صحبت از حقوق بین‌الملل محیط زیست کـرد یعنـی یـک سلسـله قواعـد فراملی که حاکم بر روابط کشورها در زمینهٔ محیط زیست می‌باشد.

قواعد بین‌المللی حاکم بر محیط زیست در وهله نخست اصـول بنیـادین حقـوق بین‌الملـل در حـوزه محیط‌زیست است. با توجه به اهمیت انکارناپذیر محیط‌زیست به عنوان امری که لازمـه حیـات بشـریت است، سازمان ملل متحد به عنوان تجلی جامعه بین‌المللی برخی اصول بـین‌الملـل را بـا محـیط زیسـت تلفیق کرد و به تدریج این اصل همانند بسیاری از اصول حقوق بین‌الملل از اعتبار قواعد آمره حقوق بـین الملل عام و تعهدات عام الشمول برخوردار گردیدند و آلوده ساختن محیط زیست هم سنگ نقـض سـایر حقوق بشری تلقی و مسأله مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها مطرح گردید (سیمبر، ۱۳۹۳: ۱۰۳).

مهم‌ترین این اصول عبارت از اصل حاکمیت دولت اصل همکاری، اصل حمایت و حفاظت از محـیط زیست اصل جلوگیری اصل احتیاط، اصل پرداخت خسارت توسط آلوده ساز، اصل اطلاع رسانی و کمـک در حوادث اضطراری زیست محیطی اصل اطلاع رسانی و مشاوره در رابطه با آثار برون مرزی آلودگی‌هـا می‌باشد این اصول که مبتنی بر اصول و قواعد عام حقوق بین‌الملل عمومی‌است در سطح بین‌الملـل و در روابط کشورها به مرحله اجرا در می‌آید هر چند که هنوز وضعیت حقوقی آنها از لحاظ اینکه قواعـد الـزام آور یا توصیه ای هستند، روشن نمی‌باشد.

در کنار قواعد و اصول حقوق بین‌الملل عمومی‌در مورد محیط زیست، از قواعد ناشی از کنوانسیون نیز می‌توان به عنوان قواعد بین‌المللی حاکم بر محیط زیست نام برد. کشورها برای سیاست‌گذاری در زمینـه محیط زیست و حمایت از آن و جلوگیری از تخریب آلودگی آن دست به انعقـاد قراردادهـای چنـد جانبـه میزنند تا از این طریق قواعد یکسانی بر عملکرد کشور در زمینه محیط زیست حاکم شود یکی از آخـرین کنوانسیونهای موفق در زمینه محیط زیست کنوانسیون ارهـاس اسـت کـه بـا اهـداف تحقـق اهـداف و مشارکت اجتماعات انسانی در سیاست گذاری و اطلاع رسانی راجع به محیط زیست بـه تصـویب رسـیده است (Marsden, 2018: 48) همین طور میتوان از پروتکل مونترال راجـع بـه کـاهش لایـه ازن در ۱۹۸۷ به عنوان تلاش در جهت وضع قواعد در مورد محیط زیست در سطح بین‌الملل نام برد.

بنابراین ملاحظه می‌شود که امروزه یک سلسله قواعد فراملی در زمینه محیط زیست چـه بـه شـکل اصول بنیادین حقوق بین‌الملل عمومی‌و چه به شکل کنوانسیون‌ها و عرف بین‌المللی که حاکم بر رفتـار و عملکرد کشورها در زمینه محیط زیست است وجود دارد که به مجموعه این قواعـد و مقـررات مـی‌تـوان حقوق بین‌الملل محیط زیست اطلاق کرد.

هر چند کشورها علاقه زیادی به اجرای این اصول و قواعد و کنوانسیونها دارند ولی گـاهی ضـرورت حفظ و تأثیر منافع ملی کشور مانع از پیروی کامل آنان از این اصول میشود و در عمل ملاحظه می‌شـود

که بعضی از کشورها که متعهد به کاهش گازهای گلخانه ای از طریق کاهش تولیدات صنعتی می‌گردند کمتر به اجرای آن پافشاری می‌کنند و در نتیجه تخریب و آلودگی محیط‌زیست همچنان به عنوان یک تراژدی بشریت تداوم می‌یابد. خوشبختانه توجه به رفع آلودگی‌های زیست محیطی بویژه در دهه اخیر به لحاظ افزایش آگاهی‌ها و اعتراضات افکار عمومی‌جهانیان دو چندان گردیده است و هواداران محیط زیست با برگزاری اعتراضات و سینمارها دولت‌ها را در این زمینه به چالش می‌کشند و آنها را به پیروی از اصول و قواعد بین الملل محیط زیست و ادار می‌کنند. موفقیت در حذف آلاینده‌ها از جمله CFC از تولیدات صنعتی یک از مصادیق بارز موفقیتهای هواداران محیط زیست است (Robinson, 2020: 28) غالباً آلودگیها نتیجه بکارگیری انبوه تکنولوژی افسار گسیخته بوده که علت وقوع حوادث زیست محیطی حاد در سطح بین‌الملل می‌گردد (کک دین، ۱۳۸۳ ترجمه حسن حبیبی: ۸۸۵) و گاهی اوقات صدمات وارده موجبات بر هم خوردن صلح و امنیت بین‌المللی گردیده و مداخله شورای امنیت سازمان ملل متحد یا دیوان بین‌المللی دادگستری را می‌طلبد (موسوی، ۱۳۸۰: ۱۳) آراء مختلفی که توسط دیوان بین‌المللی دادگستری در اختلافات بین کشورها صادر شده است نشانگر توجه نهادهای بین‌المللی بویژه قضایی به امر حفاظت از آینده بشریت از طریق حفظ محیط زیست است (Marsden, 2018: 35). بعلاوه رسیدگی به اختلافات زیست محیطی در دیوان دادگستری بین‌المللی حکایت از موجودیت یک شاخه از حقوق بنام حقوق بین‌الملل محیط زیست دارد زیرا دیوان مزبور صرفاً صلاحیت رسیدگی به نقض قواعد عام و بین‌المللی توسط کشورها دارد.

گفتار سوم: نظریه‌های وابستگی نظم عمومی‌و حقوق محیط زیست

اهم این نظریه‌ها عبارتند از:

۱ - نظریه وابستگی محیط زیست و حقوق بشر

بعد از ظهور نسل‌های اول و دوم حقوق بشر که راجع به حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است، نسل سوم حقوق بشر که داشتن محیط زیست سالم از این دسته از حقوق است به تدریج جایگاه حقوقی خود را در کنوانسیونهای بین‌المللی و حقوق موضوعه داخلی باز کرد بر اساس یافته‌های اندیشمندان حمایت از محیط زیست، حمایت از حقوق بشر بوده و انهدام و تخریب آن ناقض حقوق شخص بوده و تجاوز به اساسی‌ترین حقوق انسان‌ها قلمداد می‌شود.

با توجه به این نظریه چون داشتن محیطزیست سالم از حقوق اساسی بشر بوده و حتی لازم و ملـزوم یکدیگر می‌باشند نمی‌توان از اولویت یکی بر دیگری صحبت کرد چرا که هر یک لازمـه بقـای دیگـری است (Chinkin, 2022: 38). به عبارت دیگر باید گفت که لازمه حفاظت از حقـوق بشـر مراقبـت از محیط زیست انسانهاست و نمی‌توان در سیاست‌گذاری کلی مراقبت از محیطزیست را بر حـق بشـر و یـا حمایت از حقوق بشر را بر حفاظت از محیط زیست ترجیح داد. با این وجود در عمل حمایت از حقوق بشر بر حفاظت از محیط زیست ارجح تلقی می‌گردد زیرا انسان اولین و مهمتـرین حلقـه اکوسیسـتم اسـت و حیات و جان او به همه چیز ترجیح دارد زیرا محیطزیست نیز در خدمت او و برای او است و حتی در پـاره ای موارد تداوم حیات انسان وابسته به لطمه به محیط زیست است و بدون این ،اقدام، تداوم حیـات بشـر به خطر می‌افتد مثلاً حیات بومیان آمازون وابسته به قطع درختان بـارانی اسـت و بـدون لطمـه زدن بـه محیط زیست قادر به ادامه زندگی نمیباشند دولت نیز که وظیفه اصلی او حمایت از جان انسان‌هاست این واقعیت یعنی حمایت از جان انسانها به بهای لطمه به محیط زیست را می‌پذیرد و رعایت حقوق بشر را بر حفاظت از محیط زیست مقدم می‌شمارد و نمی‌تواند اصول توسعه آگاهانه را به طور کامل اجرا نمایـد. بـا این حال ضرورت دارد که در سیاست‌گذاری کلی نه تنها به رعایت حقوق بشـر در مـورد نسـلهای فعلـی اندیشه شود بلکه تدابیری برای حمایت از نسلهای آینده که محیط زیست سالم نیز بـرای آنـان ضـروری است، اتخاذ گردد و با حمایت از محیط زیست برای رسیدن به یک عدالت زیست محیطـی تـلاش شـود (Thornton, 2010: 318)

پس مطابق این نظریه به جهت لازم و ملزوم بودن حقوق بشر و محیط زیست و اینکه بدون محـیط زیست سالم حمایت از حقوق بشر عملاً قابل تحقق نمی‌باشد لذا تدوین قواعـد و مقـررات جـامع در هـر کشور برای حمایت از محیطزیست و جلوگیری از تخریب و آلودگی آن ضرورت دارد.

۲- نظریه محیط زیست واحد

مطابق این نظریه کره زمین یک محیط زیست واحد و غیر قابل تقسیم برای بشریت بوده و تمام عناصـر آن چنان با هم در ارتباط هستند که مرزبندی جغرافیایی دولت‌ها نمی‌تواند مانع تأثیر و تأثر عناصر در هم پیچیده آن شوند و لاجرم اتفاق یک حادثه‌ای در یک نقطه از کره زمین ممکن اسـت نقطـه دیگـر آن را تحت تأثیر قرار بدهد و نمی‌توان از حاکمیت واحد یعنی دولتی در یک نقطه از کره زمین انتظار داشت که پاسخگوی تمام جوانب آن حادثه و در تمام نقاط کره زمین شود. نتیجه اینکه دولت صرفاً در مورد محیط زیست داخل مرزهای خود مسئولیت ندارند بلکه مسئولیت آنان ناظر به محیط زیسـت تمـام کـره زمـین

است و مکلفند که از محیط زیست به عنوان یک کل واحد حمایت کنند و جلوی آلودگی و تخریب آن را بگیرند و در صورت ورود خسارت، خسارت وارده را جبران نمایند. لازمهٔ سرانجام این وظایف تدوین مقررات لازم در این زمینه است و کشورها در این راستا مقرراتی صرفاً برای داخل کشور یا در ارتباط با کشورهای همسایه تدوین می‌کنند که از آن به حقوق محیط زیست داخلی و بین‌المللی یاد کردیم و همین طور اقدام به پذیرش قوانین و مقرراتی در سطح کل جهان از طریق رعایت اصول حقوق بین‌الملل عمومی‌در زمینه محیط زیست و انعقاد کنوانسیون‌های چند جانبه می‌نمایند که از آن نیز به حقوق بین الملل محیط زیست تعبیر گردید. پس بر اساس این نظریه علت بروز حقوق محیط زیست بویژه حقوق بین‌الملل محیط زیست، وجود محیط زیست واحد در کره زمین است.

۳- نظریه برابری حاکمیت دولتها

برخی معتقدند که مبنای حقوق محیط زیست برابری و استقلال حاکمیت دولت‌هاست و رعایت برابری حاکمیت دولت ایجاب میکند که مقرراتی در زمینه محیط زیست در هر کشوری وضع گردد و حقوقی بنام حقوق محیط زیست به منصه ظهور برسد. مطابق این نظریه هر چند هر دولتی به استناد حاکمیت مستقل خود حق دارد شرایط و مختصات محیط زیست کشور خود را تعیین نماید و در آن مورد قانونگذاری کند ولی رعایت حاکمیت سایر کشورها هم ایجاب می‌کند که طوری با محیط مسأله زیست برخورد نماید که سلامت مردم سرزمین دیگر را به مخاطره نیاندازد چرا که به مخاطره انداختن سلامت مردم یک سرزمین تجاوز آشکار به جنبه‌های معنوی حاکمیت یک دولت است؛ بنابراین هیچ دولتی حق ندارد به استناد حق حاکمیت از سرزمین خود به نحوی استفاده کند که به خاک سرزمین دیگر صدمه وارد کند (برنیر، ۱۳۶۷: ۴۷). برای تحقق این هدف یعنی استفاده از حاکمیت در داخل کشور و رعایت حاکمیت کشورهای دیگر تدوین یک سلسله مقررات در هر کشوری با همکاری کشورهای دیگر ضرورت دارد که گفته شد این مقررات در داخل کشور توسط مرجع قانون گذاری با لحاظ وضع داخلی کشور و اوضاع احوال بین‌المللی و با همکاری کشورهای همسایه و با انعقاد عهدنامه‌های دو جانبه و یا با همکاری کل کشورها و در سطح بین‌الملل وضع می‌گردد. که نمونه آن پذیرش اصول حقوق بین‌الملل عمومی‌در زمینه محیط‌زیست است که کشورها موظف به پیروی از آن می‌باشند و براساس این اصول است که محدودیت‌های زیادی بر حق حاکمیت دولت‌ها وارد می‌شود از جمله گفته می‌شود که اصل تساوی حقوق دولت‌ها ایجاب می‌کند که دولت‌ها با رعایت انصاف از محیط زیست‌طبیعی بهره‌برداری نمایند تا تمام کشورها فرصت استفاده یکسان را داشته باشند (Broms, 20236: 306) همچنین کشورها حق ندارند از حقوقشان سوء

استفاده نمایند (زمانی، ۱۳۸۱: ۵۰) این محدودیت‌ها همگی ناشی از پذیرش اصول حقوق بین‌الملل عمومی‌در زمینه محیط است (Akehurst1,1988:104) که حکایت از پیدایش شاخه‌ای از علم حقوق بنام حقوق محیط زیست دارد.

نتیجه

نظم عمومی‌از آن دسته مفاهیمی‌نیست که شناخت آن از طریق مصادیق ممکن باشد بلکه برای شناخت آن، محتاج یک فرآیند شناسایی نظری و رسیدن از کل به جزء هستیم. در تعاریفی که بررسی شد یک مسئله واحد وجود داشت و آن مرتبط بودن نظم عمومی‌با مصالح عالی اجتماع است. البته روشن است که منافع هر جامعه امری ثابت نیست و همیشه در حال تغییر و دگرگونی است. نتیجه این خواهد بود که برای شناسایی این مفهوم نمیتوان معنای متقن و ثابتی را ارائه داد؛ پس نظم عمومی‌یک مفهوم نسبی در مصادیق خواهد بود که باید با در نظر گرفتن همه عوامل موجود در یک اجتماع تعیین شود مفهوم نظم عمومی‌در قلمرو حقوق داخلی موسع‌تر از قلمرو این مفهوم در نظم حقوق بین‌الملل خصوصی است هر چند که نهایتاً تشخیص این امر به قاضی مقر دادگاه واگذار شده است.

در مورد رابطه نظم عمومی‌با حقوق محیط زیست نیز باید گفت که به طور سنتی نظم عمومی‌با اخلاق حسنه عجین بوده است. حقوق محیط زیست عموماً در دکترین حقوقی تعریف شده است.

بررسی متون قانونی در ظاهر نشان دهنده ی آن است که قانونگذار ایرانی در نسبت دادن حقوق محیط زیست به نظم عمومی‌بدون آنکه جایگاه هر یک از دو مفهوم را تثبیت و نیز بدون نشان دادن موضع خود در رابطه آن دو، صرفاً از هر دو مفهوم نام برده است. اما با کمی‌دقت در چگونگی چیدمان این دو مفهوم در کنار یکدیگر در مواد مختلف در می‌یابیم که او نیز رویه واحدی نداشته و لیکن عموماً درصدد پیوستن این دو مفهوم به یکدیگر نبوده است و قائل به تفکیک آن دو از یکدیگر می‌باشد و آن چه بیش از همه در خور توجه است تفاوت آنها با یکدیگر است.

هم چنین باید گفت که از مطالعه پیشین این نتیجه حاصل است که چون لازمهٔ حیات انسان و رعایت حقوق بشر، برخورداری وی از محیط زیست سالم است و هدف از تشکیل دولت‌ها نیز حفظ حیات انسانی و محیط زیست او است و از طرفی محیط زیست به تبع تقسیم جغرافیایی کشورها، قابل تقسیم نبوده و به عنوان یک واحد کل را تشکیل میدهد و سیاست گذاری یک دولت برای حفاظت از محیط زیست و جلوگیری از تخریب و آلودگی آن به تنهایی و بدون همکاری کشورهای دیگر مقدور نمی‌باشد

لذا باید گفت که حاکمیت دولتها برخلاف سایر مسائل، در مورد محیط زیست منحصر بـه سـرزمین خـود نبوده و حاکمیت او شامل سرزمین کشورهای دیگر نیز می‌شود زیرا هر کشوری علاوه بر اینکه مقرراتـی را در مورد محیط زیست برای روابط داخل کشور وضع می‌کند و همین طور در داخل کشور مقرراتی برای روابط بین‌المللی در مورد محیط زیست پیش‌بینی می‌کند با همکاری تمام کشورها مقرراتی را به صـورت فراملی می‌پذیرند و این مقررات صرف نظر از مرزهای کشورها برای همه آنها اعمال می‌گردد. بعـلاوه بـا توجه به اینکه محیط‌زیست که عبارت از آب هوا خاک و عوامل درونی و بیرونی مربوط به حیات موجـود زنده است، قسمت عمده حاکمیت ملی کشور را تشکیل می‌دهد و دولـت مسـتقیماً در آن ذینفـع اسـت و مربوط به یکی از حوزه‌های مهم اعمال حاکمیت دولت است؛ لذا مقرراتی که در این مورد چـه در رابطـه داخلی و بین‌المللی وجود دارد، از ماهیت حقوق عمـومی‌برخـوردار مـی‌باشـند و در نتیجـه امکـان توافـق برخلاف آن وجود ندارد و دولت‌ها نمی‌توانند با عدول از این مقررات تخریب کننـدگان محـیط زیسـت را مورد عفو و بخشش قرار بدهند.

با توجه به اینکه کشور ایران در منطقه خشک و بیابانی قاره آسیا قرار دارد و از اکوسیستم آسیب‌پـذیر و شکننده‌ای برخوردار است وافزایش بی‌رویه جمعیت رشد لجام گسیخته شـهرها و گسـترش فعالیتهـای انسانی در اکثر بخشهای کشور روند تخریبی شدید را در محیط زیست ایجاد نموده است.

هم چنین باید اذعان کرد که حق بر محیط زیست سالم در سایه نظـم عمـومی‌از جملـه مقولـه‌هـا و مصادیق نسل سوم حقوق بشر جامع ترین و توسعه یافته ترین حق محسوب می‌گردد در نظام حقوق بین الملل حق بر محیط زیست سالم بر پایه نظم عمومی‌صراحتاً و تلویحاً در چنـد سـند لازم الاجـراء عمـدتاً منطقه‌ای و اسناد غیرالزام‌آور بین‌المللی در رویه‌های متعدد بین‌المللی و منطقه‌ای چون دیوان حقوق بشـر اروپایی، دادگاه آمریکایی حقوق بشر و ظرفیت طرح دعاوی زیست محیطی در این محاکم و طرح دعاوی متعدد زیست محیطی در محاکم کشورهای مختلف در حقوق داخل کشـورها در سـطح قـانون اساسـی و قوانین عادی علیرغم طرح ابهاماتی در پذیرش عرف بین‌المللی و تزلـزل دکتـرین بـا تردیـدهای جـدی حقوقدانان مشهور بیانگر وجود و حضور حق بر محیط‌زیست سالم در نظام حقوقی جهان معاصر است.

در نظام حقوقی و اداری جمهوری اسلامی‌ایران مهمترین چـالش‌هـای عملـی پـیش روی اسـتقرار نظـم عمومی‌بر محیط زیست سالم عبارتند از: فقدان قوانین مدون یا قسمت اجرای لازم، نبود برنامه منسجم و ناکارآمدی برنامه‌های مدیریت زیست محیطی فقدان اجرای اصول عملـی وحتـی دقیـق برنامـه‌ها، عـدم آموزش زیست محیطی.

در خصوص موانع فرهنگی گسترش و تحقق محیط زیست سالم بر پایه نظم عمومی‌می‌توان گفت که در حاشیه قرار گرفتن شهروندان، فرهنگ سکوت شهروندان به امور جاری کشور تخریب محیط زیست توسط شهروندان عدم آگاهی شهروندان از حقوق محیط زیست خویش از جمله چالش‌های فرهنگی در جهت استقرار نظم عمومی‌بر محیط‌زیست سالم در حوزه داخلی می‌باشد از نظر ساختاری نیز فقدان اطلاعات دسته‌بندی شده و به روز در ارتباط با محیط‌زیست فقدان تعریفی روشن از شهروند و حقوق و مسئولیت آن محدودیت رسانه‌ای و غیره ... از جمله موانع تحقق نظم در حوزه محیط زیست سالم می‌باشد.

درست هست که استقرار نظم بر محیط زیست سالم از جمله حقوقی است که حفاظت از آن حق همگانی محسوب می‌گردد ولی در نظام اداری ایران سازمانی که بصورت مستقیم مسئولیت حفاظت از محیط زیست را بر عهده دارد سازمان حفاظت از محیط زیست می‌باشد که زیر نظر نهاد ریاست جمهوری اداره می‌گردد و ریاست این سازمان به عنوان معاون ریاست جمهوری محسوب می‌گردد. مهمترین وظیفه این سازمان حفاظت از محیط زیست می‌باشد از جمله ابزارهای این سازمان عبارتند از: قانون، فرهنگ سازی و توسعه و تحقق ساختارهای لازم.

در آخر می‌توان گفت که درست است نظام جمهوری اسلامی‌ایران به اکثریت اسناد و کنوانسیونهای مرتبط با محیط زیست ملحق گردیده ولی بنظر می‌رسد با استانداردهای بین‌المللی فاصله زیادی دارد که این امر می‌تواند ناشی از ضعف مدیریت و یا ضعف قانونگذاری باشد. در آینده انتظار می‌رود که این ضعف تقویت گردد تا بتوانیم در حوزه داخلی به حداقل‌های بین‌المللی در استقرار نظم عمومی‌در حوزه حقوق محیط زیست دست یابیم.

منابع:

- ابدالی، مهرزاد، (۱۳۹۵)، مطالعه تطبیقی نظم عمومیو اخلاق حسنه در حقوق فرانسه، انگلیس و ایران پژوهش نامه علوم انسانی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، سال سوم، شماره ۱و۲، صص ۱۳۲-۱۱۳.
- آشتیانی، میرزا محمد حسن، (۱۴۳۳)، کتاب القضاء، قم، دار الهجره، چاپ دوم.
- برنیر، ش، (۱۳۹۵)، تحولات جدید حقوق بین‌الملل عمومیدر مورد قانونی بودن آزمایش‌های اتمیدر دریای آزاد، ترجمه رضا فیوضی، مجله حقوقی، شماره ۵، بهار.
- بهرام سلطانی، کامبیز، (۱۴۰۱)، مجموعه روشهای شهرسازی محیط زیست ،جلد ششم انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهر سازی و معماری ایران
- تقی‌زاده انصاری، م، (۱۳۹۴)، حقوق محیط زیست، انتشارات سمت.
- تقی‌زاده انصاری، مصطفی، (۱۳۹۶)، حقوق محیط‌زیست ایران، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت.
- تناغو، س ع (بی‌تا)، النظریه العامه للقانون، منشاه المعارف، اسکندریه.
- جعفری لنگرودی، م ج، (۱۳۸۲)، مقدمه عمومی‌علم حقوق، انتشارات گنج دانش.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۸۷)، ترمینولوژی حقوق، تهران: انتشارات گنج دانش، چاپ نوزدهم.
- دل وکیو، ج، (۱۳۹۹)، فلسفه حقوق، ترجمه جواد واحدی، نشر میزان.
- ساعد نادر وتیلا، پروانه، (۱۳۹۷)، مجموعه قوانین و مقررات حفاظت از محیط زیست ایران، تهران، انتشارات خرسندی،
- ساعد وکیل، ا، (۱۳۹۳)، جهانی امن تر مسئولیت مشترک ،ما گزارش هیأت عالی رتبه دبیر کل در خصوص تهدیدات چالشها و تغییرها (دسامبر ۲۰۰۴)، مجله پژوهش‌های حقوقی، سال سوم، شماره ۶.
- سلطان، ا، (۱۳۹۳)، المبادی القانونیه العامه کلیه التجاره، دارالنهضه العربیه.

- سنهوری، عبدالرزاق، (۱۴۲۴)، الوسیط فی شرح القانون المدنی الجدید، بیروت، دار احیاء التراث العربی، جلد ۱.
- سیمبر، ر، (۱۳۹۳)، حقوق بشر در چهارچوب محیط زیست، مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۲۰۲-۲۰۱.
- شهبازی، حشمت الله؛ تقی‌زاده، ابراهیم؛ شهبازی‌نیا، مرتضی، (۱۳۹۶)، حقوق بشر در حقوق خصوصی، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، تابستان، شماره ۱۹، صص ۳ .
- شیلتون، دینا؛ کیس، الکساندر، (۱۳۹۹) کتابچه قضایی حقوق محیطزیست مترجم عبدالهی، محسن، چاپ اول، تهران، انتشارات خرسندی.
- صادقی، محسن، (۱۳۹۴)، مفهوم و اعمال نظم عمومی‌در مراجع قضایی و شبه قضایی و جلوه های نوین آن، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی (دانشگاه تهران)، شماره ۶۸، صص ۸۹-۱۱۴.
- صفایی، سیدحسین، (۱۳۹۴)، دوره مقدماتی حقوق مدنی، قواعد عمومی‌قراردادها، نشر میزان، چاپ بیست و دوم، جلد دوم.
- فرج، ت ح و مطره، م ی، (۱۹۸۹)، الاصول العامه للقانون، دارالجامعیه البیروت.
- فیروزی، مهدی، (۱۳۹۹)، حق بر محیطزیست، چاپ اول، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی.
- قاسمی، ناصر، (۱۴۰۲)، حقوق کیفری محیط زیست، چاپ دوم، تهران، انتشارات جمال الحق.
- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۳) حقوق مدنی: قواعد عمومی‌قراردادها چاپ ششم تهران، شرکت سهامی انتشار با همکاری بهمن برنا. جلد اول.
- کاتوزیان؛ ن، (۱۳۸۵)، فلسفه حقوق، انتشارات بهنشر، ج اول.
- لواسانی، احمد، (۱۴۰۲) کنفرانس بین‌المللی محیط زیست «ریو»، چاپ اول، تهران، موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- الماسی، نجاد علی، (۱۳۹۹)، حقوق بین‌الملل خصوصی، تهران: میزان، چاپ دوازدهم.

- معینی میبدی، ح، (۱۳۹۴)، «توسعه پایدار محیط زیست: محور جدید در تبیین معادلات سیاسی بین‌المللی در کتاب روندهای جدید بین‌المللی، به اهتمام: محمد جواد ظریف و مصطفی زهرایی دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- موسوی س ف (۱۳۹۰)، حقوق بین‌الملل محیط زیست، نشر میزان.
- موسوی، س ف، (۱۳۹۵)، سیر تحولات منابع حقوق بین‌الملل محیط زیست، نشر میزان.
- مولائی، آیت، (۱۳۹۷) جزوه حقوق اداری تطبیقی کارشناسی ارشد رشته حقوق عمومی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان.
- نژندی منش، ه و خیاطیان، س، (۱۳۹۸)، نقش دیوان بین‌المللی دادگستری در تدوین و توسعه هنجارهای محیط زیست در کتاب حقوق محیط زیست (نظریه‌ها و رویه‌ها) به اهتمام احمد علی محسن زاده، نادر ساعد و علی سمیعی، انتشارات خرسندی.
- نوین، پرویز، (۱۳۹۶)، نظم عمومی‌در حقوق، کانون وکلا، شماره ۱۹۸ و ۱۹۹، صص ۱۹-۲۹.
- هاشمی، سید محمد، (۱۳۹۹)، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، چاپ اول.

- Akehurst,M, (2019), "A Modern Introduction to International law", Unwin Hyman, London
- Broms, R, (2023), "Natural Resources, Sovereignty over" EPIL, Vol.10.
- Chinkin, C, (2022), "International Environmental law in Evolution, in law, in Environmental Decision-Making, National, European, and International Perspectives" Clarendon press, oxford.
- Farshad Ghodoosi, (2016), The Concept of Public Policy in Law: Revisiting the Role of the Public Policy Doctrine in the Enforcement of Private Legal Arrangements", Nebraska Law Review, vol: 94.
- Gunniangham, N, (2023), "Smart Regulation Designing Environmental Policy", Clarendon press, oxford
- Handyside v. (2024), "United Kingdom", 7 December 1976, Series A, No. 24, 1 EHRR 737.para.48

- Kent Murphy, (2023), The Traditional View of Public policy and ordre public in Private International Law", Ga. Journal of International & Comparative Law, vol:11, no.3.
- Marsden, S, (2018), "Strategic Environmental Assessment in International & European law", Earth scan
- Peter Cumper, (2010), Religion, belief and international human rights in the twenty-first century", in Research Handbook on International Human Rights Law, Edited by Sarah Joseph and Adam McBeth, Edward Elgar Publishing Limited, p.485
- Robinson,D, (2020), "Regulatory Evolution in Pollution Control in law, In Environmental Decision - Making, National, European, and International Perspectives" Clarendon press, oxford
- Thornton, J, (2010), "Significant UK Environmental Cases", Journal of Environmental law, Vol.22, Issue:2, LA.1137

Public Order and Environmental Law

Abstract

Public order is one of the most important legal institutions that has a special place in the legal system of all countries. Public order is among the fundamental, common, and at the same time challenging concepts in the realm of domestic and international law. This concept, in addition to its restrictive role in the domestic sphere, also presents the host country with an obstacle in the international sphere by applying laws and rules that are contrary to public order. It seems that the requirements and necessities of public order are among the foundations and guidelines for the development of laws in the field of domestic and international law. This rule also applies to environmental law. The emergence and development of the right to a healthy environment, as a third generation of human rights, is accompanied by an increasing number of environmental issues and problems, including current challenges, ozone layer depletion, the El Niño phenomenon, climate change, acid rain, population explosion, the increasing destruction of forests and rare plant and animal species, all of which are pushing the current world towards an environmental disaster that has made the future of the planet uncertain. The third generation has somehow explained the relationship between humans and the environment. The present era is the era of awareness, interaction, and coexistence with nature and the environment. In the administrative system of the Islamic Republic of Iran, the organization that is directly responsible for protecting the environment is the Environmental Protection Organization, which is administered under the supervision of the presidential institution. All these incidents and crises have challenged the global order. Therefore, one of the important goals of laws related to environmental law, whether domestic or international, is to organize public order on a global scale.

Keywords: Public order, environmental law, sustainable development, responsibility, public law